

دین و سیاست

در حکمت صدراپی

روح الله مدامی*، دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
مهدی نجفی افرا**، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

چکیده

شریعت و سیاست و رابطه آن دو از مسائل مهم در اندیشه صدرالمتألهین است. مسئله سیاست که یکی از عرصه‌های مهم زندگی انسان است، از نگاه او مغفول نمانده است. ملاصدرا در آثار خود، اجتماعی بودن انسان را مورد تأکید قرار داده و زندگی فردی را حتی اگر همراه با شریعت باشد، کافی نمی‌داند. در نگاه وی، سیر تکاملی آدمی با زندگی اجتماعی امکانپذیر بوده و جامعه‌ی که بخواهد زمینه رشد و تکامل انسان را فراهم کند، باید مبتنی بر شریعت اسلامی باشد. هرچند سیاست، در چهار محور مبدأ، غایت، فعل و انفعال با دین تفاوت دارد، لکن سیاست، کاملاً مستهلک در شریعت و شریعت باطن و حقیقت سیاست است. ملاصدرا رابطه میان دین و سیاست را رابطه معقول با محسوس یا باطن با ظاهر می‌داند؛ همانگونه که شناخت طبیعت بدون ماوراء طبیعت شناختی ناکافی است، سیاست بدون دین، موجب فروغلطیدن انسان در ظواهر و غفلت از حقایق متعالی میشود و صدمات جبران ناپذیری برای زندگی انسان بدنبال خواهد داشت. تبیین درست اندیشه ملاصدرا، بهترین سد در برابر سکولاریسم و نظریه جدایی دین از سیاست است.

کلیدواژگان

شریعت
حکمت متعالیه
سکولاریزم
سیاست
حاکم اسلامی

۱. مقدمه

آفرینش انسان بگونه‌ی است که برای رفع نیازهای مادی و معنوی خود، باید زندگی اجتماعی تشکیل دهد زیرا طبیعت نوعی یا ضرورت‌های بیرونی اقتضا میکند تا بصورت جمعی نسبت به تأمین نیازهای خود اقدام نمایند و این امر با اهتمام فردی قابل دستیابی نیست. بنابراین، مسیر تکاملی آدمی از میان جمع می‌گذرد. در آموزه‌های دینی، این مهم کاملاً مشهود است. در شریعت اسلام، چه در وحی و کلام الهی و چه در احادیث و سنت نبوی و علوی بگونه‌ی به زندگی اجتماعی و سیاسی انسان نگاه شده است تا با وضع قوانین عادلانه، مشروع و معقول بستر زندگی معقول و الهی برای انسان فراهم گردد. در شریعت، حاکمیت از آن خداست، لذا واضح قوانین نیز باید

*.Email:r.modami@yahoo.com

(نویسنده مسئول) *.Email:mah.najafiafra@iauctb.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲